



## آیا حضرت مهدی(عج) با کتاب جدید ظهور می کند

به گزارش خبرگزاری مهر، بر اساس روایات اسلامی حضرت مهدی (عج) بعد از ظهورشان در جوار کعبه، ابتدا آیه 86 سوره هود را می خوانند...

احادیث متعددی از ائمه اطهار(ع) وجود دارد که خبر از ظهور حضرت مهدی(عج) با کتاب جدیدی می دهند؛ همانگونه که در حدیثی چنین آمده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بُدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ»؛ هنگامی که قائم(ع) ظهور کرد با امر جدید خواهد آمد، چنان که رسول خدا(ص) در آغاز اسلام مردم را به امر جدید دعوت می کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، بر اساس روایات اسلامی حضرت مهدی (عج) بعد از ظهورشان در جوار کعبه، ابتدا آیه 86 سوره هود را می خوانند: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» سپس می فرماید: «يا اهل العالم انا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَلِيقَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ». ای اهل عالم من ذخیره الهی بر روی زمین و خلیفه او و حجت او بر شما هستم».

امام صادق(ع) درباره اولین آیه ای که بعد از ظهور بر زبان مبارک امام زمان(عج) جاری می شود، می فرماید: آن زمانی که امام مهدی(ع) ظهور می کند، به کعبه تکیه می کند؛ در حالی که 313 نفر نزد او جمع شده اند. اولین سخن و گفته اش این آیه است: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گزارده، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید». سپس می فرماید: «منم بقية الله و من حجت خدا و خلیفه او بر شمایم». پس سلام کننده ای بر او سلام نمی کند، مگر آنکه می گوید: السلام علیک یا بقية الله في ارضه، و زمانی که نزد او 4 هزار نفر جمع شوند، از مکه بیرون می رود و در روی زمین معبودی غیر از خدای عزوجل از بت و غیر آن باقی نمی ماند، مگر آنکه آتش در آن می افتد و خواهد سوخت.

همچنین در روایات اسلامی بر بنای مجدد اسلام توسط امام زمان(عج) تصریح شده است به گونه ای که امام باقر(ع) در حدیثی می فرماید: «يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ...»؛ امام قائم که قیام کند امری نو و کتابی نو و قضاوتی نو خواهد داشت. و نیز امام صادق(ع) در روایتی به تشابه کار امام زمان(عج) با اقدام پیامبر اسلام(ص) اشاره کرده و می فرماید: «قَالَ يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ الْأُمْرَ الْجَاهِلِيَّةَ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»؛ همان کاری را که رسول خدا(ص) انجام داد، مهدی(عج) انجام می دهد. بدعت های موجود را خراب می کند، چنان که رسول خدا اساس جاهلیت را منهدم نمود، آنگاه اسلام را از نو بنا می کند.

مضمون این احادیث در نگاه اولیه و ظاهری دلالت بر آوردن دینی جدید توسط ولی عصر(عج) دارند. با توجه به این مطلب بسیاری از اصول و اعتقادات مکتب تشیع زیر سؤال می رود و به ناچار باید تفسیری مناسب با اصول اعتقادی تشیع عرضه شود. برای پاسخ گفتن به شبهه مذکور نیاز است به مقدماتی اشاره شود که عبارت اند از:

الف. اگر در منابع حدیثی جست و جویی داشته باشیم، اساساً واژه های تحت عنوان دین جدید پیدا نخواهیم کرد، ولی متأسفانه در برخی از کتاب هایی که در مورد امام زمان(عج) نوشته شده در ترجمه فارسی بعضی از احادیث به این مطلب اشاره شده است که حضرت با دین جدید می آید. در حالی که این ترجمه صحیح نیست؛ چون مقصود از عبارت «یستأنف الاسلام جدیداً»؛ یعنی بازسازی اسلام نه آوردن دین جدیدی غیر از اسلام.

ب. بر فرض که مراد از این قضا و امر جدید، دین جدید باشد، باز هم باید گفت: امام زمان(عج) هرگز دین جدید و تازه ای غیر از اسلام پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) نخواهد آورد و دین در نزد خدا تنها یکی است، همان طور که قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». شاهد این مطلب صراحت قرآن در زمینه ختم نبوت در آیه 40 سوره احزاب، و روایتی است که صریحاً مسئله خاتمیت پیامبر اسلام را ثابت می کند. همچنین طبق احادیث متعدد دیگری؛ حضرت مهدی(عج) با همان روش پیامبر اسلام و کتاب و سنت و آئین او بر می خیزد؛ لذا روشن می شود که برنامه امام زمان(عج) و رفتارش ترویج و بسط اسلام و تجدید عظمت قرآن است.

ج. اساساً حضرت مهدی هدایت کننده است؛ یعنی همان دین حضرت محمد(ص) را بسط و گسترش می دهد؛ لذا حکمت اصلی نامیده شدن امام زمان(ع)، به مهدی آن است که آن حضرت مردم را به آنچه که از آن دور شده اند؛ یعنی احکام واقعی اسلام هدایت خواهد کرد. شاهدش این حدیث است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (ع) دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دَتَرَ وَ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى أَمْرٍ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمَ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ»؛ وقتی قائم ما قیام کرد مردم را از نو به سوی اسلام دعوت می نماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن دور افتاده اند، هدایت می کند. آن جناب، مهدی نامیده شده؛ چون به چیزی که مردم از آن دور شده اند هدایت می شود و قائم نامیده شده چون برای به پا داشتن حق قیام می کند.

د. حال که روشن شد سیره عملی امام زمان(عج) جز رفتار پیامبر نیست، و اساساً مهدی بودن او هم به همین معنا است، لازم است به این مواردی اشاره کنیم که چرا مهدی بودن حضرت موجب توهم عرضه دین جدید می شود. برای این مطلب دلایل متعددی وجود دارد که عبارت اند از:

یک. مطابق برخی روایات، بخشی از احکام به جهت نبود شرایط و مقتضیات در عصر معصومان بیان نشده و تنها علمش نزد اهل بیت(ع) باقی مانده است و در عصر ظهور آن احکام بیان خواهد شد.

دو. بخشی از احکام به جهت از بین رفتن کتاب‌ها و احادیث تلف شده و به دست ما نرسیده است که قطعاً نزد امام زمان(ع) موجود است و در عصر ظهور آنها را بیان کرده و به اجرا خواهد گذاشت.

سه. در عصر غیبت به جهت دوری از امام معصوم، علما و فقها مأمور به گرفتن احکام از ادله‌ای هستند که برخی از آنها ظنی است و در نتیجه احکامی که استخراج می‌شود احکام ظاهری است نه واقعی، اگر چه در عصر غیبت مأمور به عمل به آنها هستیم، ولی در عصر ظهور توسط امام زمان(ع) احکام واقعی عرضه می‌شود.

چهار. در طول تاریخ اسلام برخی از احکام بنا به مصالحی کمتر به آنها عمل شده و یا اصلاً در جامعه بیان نشده است؛ که به طور حتم این‌گونه احکام در عصر ظهور به اجرا در خواهد آمد.

پنج. تا عصر ظهور دیدگاه و سطح فکر و تعقل مردم بسیار بالا رفته و آمادگی و قابلیت‌هایی فوق العاده در فهم معارف دینی خواهند یافت که در نتیجه احتیاج به پاسخ‌گویی با انحاء مختلف به این خواسته‌ها است.[9]

بنابراین، در مجموع باید احادیث را به گونه‌ای ترجمه و تفسیر کرد که شبهه‌ای پیش نیاید؛ بدین بیان که در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از اسلام و قرآن بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌شوند که گویا اصلاً از اسلام نبودند. وقتی که حضرت مهدی(ع) ظهور کند، بدعت‌ها را ابطال می‌کند و احکام خدا را به همان گونه‌ای که صادر شده بود، ظاهر می‌سازند. حدود اسلامی را بدون سهل‌انگاری اجرا می‌کند و معلوم است که برای مردم چنین برنامه‌ای تازگی دارد. و مردم با دیدن اینکه امام زمان، در تمام زمینه‌ها به لزوم رعایت احکام خاصی که ریشه‌های وابستگی به دیگران و تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه را قطع می‌کند و هرگونه ظلم و ستم و امتیاز طلبی‌های نادرست اجتماعی را از متولیان دروغین امور سلب می‌کند و... پافشاری می‌نمایند، در حالی که این امور را آنها تاکنون به اسم قوانین اسلامی ایجاد و رواج داده بودند، بدیهی است که با مشاهده چنین وضعی حتی برخی از متولیان مراکز مذهبی و فرهنگی نیز به مقابله با آن حضرت برخوانند خاست؛ چرا که اولاً: مضمون دعوت آن حضرت را به ضرر موقعیت خویش می‌بینند، ثانیاً: آنها را مخالف با آنچه که تا آن روز به اسم اسلام می‌شناختند ارزیابی می‌کنند.